



فرهنگ جای تفکر است نه جای چماق/ شیوه مناسب مواجهه با تهاجم فرهنگی

یک عضو هیئت علمی جامعة المصطفی (ص) العالمية با اشاره به اینکه حوزه فرهنگ باصطلاح جای چماق نیست و جای اتاق فکر است گفت: باید در این اتاق فکر متفکران و اندیشمندان باشند و ابایی هم از تعامل و گفتگو و مناظره نباید داشته باشند.

یک عضو هیئت علمی جامعة المصطفی (ص) العالمية با اشاره به اینکه حوزه فرهنگ باصطلاح جای چماق نیست و جای اتاق فکر است گفت: باید در این اتاق فکر متفکران و اندیشمندان باشند و ابایی هم از تعامل و گفتگو و مناظره نباید داشته باشند.

حجت الاسلام و المسلمین محسن غروی‌ان عضو هیئت علمی جامعة المصطفی (ص) در مورد اینکه نسبت حوزه سیاست یا دولت با حوزه فرهنگ چگونه باید باشد و آیا آیا دولت نباید نقش نظارتی و هدایتی در حوزه فرهنگ داشته باشد به خبرنگار مهر گفت: اولاً خود فرهنگ دارای تعاریف متعددی است. گفته اند بیش از 200 تعریف برای فرهنگ ذکر شده است. به طور کلی فرهنگ شامل عناصر گسترده ای می شود و مسائل فکری، فلسفی، ایدئولوژی، جهان بینی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، حتی ورزشی و هنری را شامل می شود.

وی تصریح کرد: حکومت نسبت به این همه مسائل نمی تواند بی تفاوت باشد و باید آنها را به سمت و سوی یک هدف متعالی هدایت و نظارت کند. از طرفی نهاد فرهنگ از لحاظ جامعه شناختی یک نهاد زیر بنایی است. ما بر خلاف مارکسیزم و سوسیالیزم فرهنگ را زیر بنای اجتماع و نهادهای دیگر آن و جامعه می دانیم. اقتصاد برخاسته از فرهنگ است و سیاست مبتنی بر فرهنگ است. بنابراین فرهنگ نقش بسیار زیربنایی و اساسی در هدایت جامعه دارد.

عضو هیئت علمی جامعة المصطفی (ص) العالمية یادآور شد: فرهنگ باید سیاست و اقتصاد و حتی خود حکومت را راهبری کند. یعنی فرهنگ جنبه راهبردی دارد و متفکرین، اندیشمندان و فیلسوفان هستند که فرهنگ را شکل می دهند و سایر نهادها بدنبال آن حرکت می کنند. خود انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ما هم در ابتدا یک انقلاب فرهنگی بود و بدنبال آن، نظام سیاسی ما شکل گرفت.

این محقق و پژوهشگر مسائل دینی و فلسفی در مورد اینکه یکی از مباحث مطرح در حوزه فرهنگ تهاجم فرهنگی است به چه میزان رصد پدیده های نوظهور فرهنگی اهمیت دارد هم اظهار داشت: همانطور که مرز جغرافیایی ما باید محافظت بشود و سربازان و نظامیانی داشته باشیم که از مرزهای جغرافیایی ما حفاظت کنند، فرهنگ و اندیشه و تفکر هم محافظانی می خواهد و باید پاسداری شوند. پاسداری از حریم و مرزهای فرهنگی به همین معنا است که متفکرین و اندیشمندان، دین شناسان و اهل فرهنگ یا فرهیختگان در برابر تهاجم فکری و فرهنگی مغایر و بیگانه بتوانند بایستند. البته اینجا ایستادن به معنای نقد و بررسی است. در حوزه فرهنگ ایستادگی به معنای ارایه یک دلیل قوی و برهان اقوی است نه به معنای تعصب به خرج دادن.

عضو هیئت علمی جامعة المصطفی (ص) العالمية یادآور شد: حوزه تفکر و فرهنگ همیشه شناور و در حال جریان است. یعنی افکار و اندیشه ها در عالم دائماً در حال داد و ستد هستند. حوزه فرهنگ هیچ گاه راکد نمی شود و دائماً امواجی این حوزه فرهنگ را متموج و متلاطم می کند و اهل فرهنگ باید با منطق و استدلال قوی در این حوزه باشند تا بتوانند از فرهنگ خودشان چه فرهنگ اسلامی و دینی و اخلاقی و چه فلسفی خاص خود دفاع کنند.

وی تصریح کرد: حوزه فرهنگ باصطلاح جای چماق نیست، جای اتاق فکر است و باید در این اتاق فکر متفکران و اندیشمندان باشند و ابایی هم از تعامل و گفتگو و مناظره نباید داشته باشند. این دیدگاهی است که امروز در برابر تهاجم فرهنگی نیاز است به کار گرفته شود. البته هر نوع فکر جدید را نباید تهاجم فرهنگی نامید. برخی از این مصادیق تهاجم فرهنگی نیستند بلکه تعامل فرهنگی هستند و باید وارد این تعامل بشویم.

عضو هیئت علمی جامعة المصطفی (ص) العالمية درباره اینکه نوع مواجهه با تهاجم فرهنگی چگونه باید باشد آثار و نتایج انفعال و موضع دفاعی در این خصوص چیست بیان کرد: فرهنگ، فکر و اندیشه چیزی نیست که با اجازه ما وارد ذهن مان شود و یا با امر و نهی ما خارج شود. مسئله فکر جای خودش را باز می کند و با امر و نهی و دستور، مسائل فکری حل نمی شوند. راه تعامل با امواج فکری داشتن کرسیهای نظریه پردازی و آزاد اندیشی و تولید علم و فکر و اندیشه در جامعه است.

جلوی امواج فکری را نمی توان گرفت و اگر جلوییش را بگیریم موقتی است.

این محقق و پژوهشگر مسائل دینی و فلسفی یادآور شد: به هر حال باید فلسفه امان را تقویت کنیم به فیلسوفان بها دهیم و متفکرین و اندیشمندان جامعه را ارج نهیم تا بتوانیم در صحنه فکر و علم و فلسفه ورزیدن و نظریه پردازی فلسفی افراد قوی داشته باشیم. فلسفه ورزی با فلسفه خوانی و فلسفه دانی فرق دارد فلسفه ورزی به معنای واقعاً فیلسوفی کردن است و احتیاج به شناخت کسانی داریم که توانایی فلسفه ورزی داشته باشند و فکر و اندیشه نو تولید کنند و جامعه را با اندیشه های فلسفی خودشان در برابر امواج دیگر فلسفی مقاوم کنند. فلسفه ورزی امروز نیاز ضروری جامعه ماست.

وی در مورد اینکه آیا سیاست های فرهنگی یک جامعه با تعویض مدیران اجرایی باید تغییر کند استمرار و تغییر در این حوزه در چه عرصه هایی باید صورت گیرد هم تصریح کرد: معتقدم دین را نباید آنچنان با سیاست مخلوط کنیم که با تغییر سیاستمداران باورهای دینی مردم هم تغییر کند و فرو بریزد. همین حرف در مورد فلسفه و فرهنگ هم نسبت به سیاست صادق است. دیانت را با سیاست مخلوط می دانیم و دیانت را عین سیاست می دانیم اما دیانت را عین سیاستمدار نباید محسوب کنیم. فکر و فلسفه و فرهنگ هم همینطور است. فرهنگ با سیاست ارتباط دارد اما نباید آن را آنقدر با سیاستمدار گره بزنیم که وقتی یک مسئولی یا سیاستمداری عوض شد کل آن فرهنگ و پایه های فکری، فلسفی هم تغییر کند. لذا در بحث های فرهنگی و سیاسی هم باید پایه های فلسفی و فرهنگی امان آنچنان قوی باشد که با تغییر سیاستمداران آن استراتژی فرهنگی تغییر نکنند.